



خندیدن به جهان

گفتاری در باب نقش رسانه‌ای لطیفه در انتقال پیام

رفضا ساسی

لطیفه‌ها در کنار مثل‌ها و چستان‌ها و قصه‌ها و ادبیات شفاهی ما را تشکیل می‌دهند و می‌توان به جرات گفت لطیفه‌ها بخش قابل توجهی از ادب شفاهی فارسی را شامل می‌شوند که برخلاف مثل‌ها و چستان‌ها هنوز در حال زایش و تکامل هستند و شاید روزانه هزاران لطیفه تازه بر گنجینه ادبیات شفاهی ما اضافه شود. با نگاهی اول به تاریخ تکامل شوخ‌طبعی در ادبیات شفاهی و کاربرد لطیفه‌ها در جوامع سنتی در خواهیم یافت که لطیفه‌ها اضافه بر کارکرد تفریحی، بهترین ابزار برای انتقال پیام در جوامع سنتی بودند. حجج زیاد لطیفه‌ها در گستره ادبیات فارسی و اقبال آن بین عموم باعث می‌شود که اذعان کنیم لطیفه‌ها نقش مهمی را در بزرگراه‌های تاریخ بازاری می‌کرده‌اند و رسانه‌های سنتی محب و پوی می‌شده‌اند که علاوه بر کارکرد تفریحی و بعد تعلیمی، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم پیامی را هم به مخاطب انتقال می‌داده‌اند. مثل پیام‌هایی چون: شاه متمکله است، مالیات ناعادلانه است یا جنگ در پیش است.

لطیفه ناظر بر اقتصاد از اواسط باع اجتماعی، مقابله با بی‌عدالتی‌ها و افشای خیرمصری‌هاست. هدف لطیفه‌پردازان این است که می‌خواهند جنایت را برسوا و حماقت را مسخره کنند و از این‌روی نامی نزنند آن را بکنند یا از ریشه برکنند^۱. این کارکرد اجتماعی وقتی موضوعاتی چون قساوت زورمندان و ظلم پادشاهان را دربر می‌گرفت یا وارث حريم دربار می‌شد یا در مورد تابلوهای دینی، سیاسی و جنسی جامعه سخن می‌گفته در واقع منتقل کننده پیام هم بود. لطیفه‌ها از لحاظ ساختاری، طنز عبارتی

محسوب می‌شوند. ساختار آثار طنزآمیز و شوخ‌طبعانه اغلب ۳- جنبه دارد: ۱- طنز عبارتی، ۲- طنز مضمونی، ۳- طنز موقعیت. طنز عبارتی، چنین است که گاه نکته‌ای یا لطیفه‌ای در ذهن هنرمند نقش می‌دهد که در عبارتی کوتاه می‌آید. این نوع طنز گاهی یک ضرب‌المثل است یا جمله‌ای که حاوی نکته‌ای نیشدار است. زمانی بخشی از یک دیالوگ است یا نوعی بازی با کلمات و ابهامات زبانی، شوخی‌ها و سخریه‌ها و تمام شکل‌هایی که بیان طنزآمیز در عبارتی موجز، صریح و پست است. در خرد ارائه می‌دهد^۲. مشخصه اصلی لطیفه در مقایسه با دیگر انواع شوخ‌طبعی و قالب‌های گوناگون ادبی و نمایشی اینجاست که آن است و همین اینجاست که در آن حجم زیاد معنی با لفظ اندک چیزی است که لطیفه‌ها را منحصر به فرد کرده است.

لطیفه‌ها به همین دلیل همیشه وجود داشته‌اند و به علت شگافی بودن همیشه از تیغ سانسور رستند و باز به علت ناشناس بودن راوی یا مولف این از پیگیری قضائی و حکومتی در امان بوده‌اند. از آنجا که لطیفه برای اتمام نقش خود به عنوان ابزاری برای تفریح، زمان و مکان مشخص نمی‌خواهد و مثل رسانه، منبر، پرده‌خوانی یا اعلامیه یا سخنرانی نیاز به تعداد زیاد مردم و ایجاد سروصدا ندارد، دارای موضوعات متنوع و تمهید بسیار فراوان است. علاوه بر آن لطیفه به دلایلی که گفته شده، بی‌باک و جسور است و تقریباً هیچ خط قرمز و مرزی نمی‌تواند برای آن تصور کرد. مخاطب لطیفه می‌تواند یک نفر باشد یا صد نفر و لطیفه می‌تواند پیام خود را در هر مکان و در هر زمانی حتی به یک نفر ارائه دهد که این ویژگی منحصر به فرد لطیفه است. به لطیفه همیشه هست و می‌توان گفت که جایگزینی ندارد هر جا

جمعی از مردم باشد. درجه در عزا و چه در عروسی - لطیفه هست در خانه، میزبان، حمام، ورزشگاه، مجلس، تاکسی، در اداره و... لطیفه‌ها وجود دارند و در این بدین معناست که لطیفه‌ها هم در فضای رسمی جامعه و هم در فضای غیررسمی آن وجود دارند و کار خود را انجام می‌دهند و تقریباً می‌توان گفت در برخورد با لطیفه‌ها نه می‌توان نظارت کرد، نه می‌توان حمایت کرد، نه می‌توان آن را دولتی کرده‌اند. نه می‌توان به بخش خصوصی واگذارشان کرد. لطیفه‌ها همیشه چون سایه‌ها وجود دارند. می‌توانند ولی نیستند مانند هوا همه جا را دربر گرفته‌اند ولی به چشم نمی‌آیند. همان صلاحی، فکاهه (لطیفه) را صورت تکامل یافته‌ها بزل می‌دانند و در تفریح فکاهه می‌نویسند. فکاهه هزلی است که از جنبه خصوصی درآید و جنبه عام بگیرد^۳. این تعریف به‌منظر درست است چرا که لطیفه هم مانند هزل بی‌براه است و به همه جا بزرگ می‌کشد و هیچ مرزی برای خود قائل نیست.

لطیفه و رسانه مدرن کنترل اخبار و انحصار رسانه‌ای از همان آغاز شکل‌گیری رسانه‌ها وجود داشت. این انحصار، ممیزی اخبار و اتفاقات در جامعه و فیلتر رنگ موجود در کشورها و موافقی که بر سر راه جریان آزاد اطلاعات در کشورها وجود دارد، این امکان را برای لطیفه‌ها وجود آورد تا به وسیله استفاده از سامانه پیام کوتاه گوشی‌های همراه، نقشی مهم و حیاتی را در انتقال پیام در جوامع برعهده بگیرد. رسانه‌های مدرن از حداقل زمان برای انتقال پیام به مخاطب بهره می‌گیرند و سرعت انتقال پیام در آنها بسیار بالاست. به طوری که بسیاری از اخبار را که مفصل هستند یا از درجه اهمیت کمتری برخوردارند

حذف می‌کنند یا در بخش‌های دیگری پوشش می‌دهند اما لطیفه به سه بیباکی کونامی و ایجاز موجود در آن و سنجی حجج آن، به راحتی با این خصوصیت رسانه‌های مدرنی چون پیام‌های کوتاه تلفنی و اینترنتی سازگار می‌شود و با حداکثر سرعت منتشر می‌شود و شیوع می‌یابد. در جوامعی که سیستم ناظر دولتی به شدت به اخبار و اطلاعات توجه دارد و سعی می‌کند مانع گسترش اخبار از طریق رسانه‌های موجود در کشور شود این لطیفه‌ها هستند که در لابه‌لای ستون روزنامه‌ها، پیام کوتاه از طریق تلفن همراه، در مجالس، مهمانی و دوستانه و... وظیفه پیام‌رسانی را انجام می‌دهند به طوری که می‌توان گفت لطیفه یک قالب ادبی است که در عصر جدید شکل رسانه‌ای یافته و به عنوان یک رسانه مدرن تحول پیدا کرده است.

لطیفه‌ها از هزاران سال پیش وجود داشته‌اند و امروز چنان با زندگی پرسرعت و تکنولوژی روز عجین شده‌اند که انگار ساخته و پرورده عصر ماشینی هستند. کارکرد لطیفه‌ها در این عصر نسبت به قرون گذشته دو چندان شده است. لطیفه‌ها گاه آن قدر کوتاه‌اند که آدمی در حال رفتگی هم می‌تواند آنها را روی گوشی همراه خود بخواند و لذت ببرد و کسب خبر کند. لطیفه‌ها که از زبان طنزآمیز و چندلایه و چندبهبه بهره می‌برند امروز بیش از پیش تابلوهای اجته باغ را می‌کلوند و آنها را به نقد می‌کشند. زبان طنز و قالب موجز لطیفه و ساختار آن بهترین وسیله برای انتقال اخباری است که دولت‌ها آنها را تایید نمی‌کنند یا مانع گسترش آن می‌شوند. نکته جالب در کارکرد خبررسانی لطیفه آن است که بلافاصله بعد از خیر اصلی، اخبار تکمیلی آن به وسایله لطیفه بیان می‌شود. به عنوان مثال، خبر سفر یک زن ایرانی به ماه ابتدا خبر جدی و داغی است که از رسانه‌ها پخش می‌شود ولی در ادامه اخبار تکمیلی آن و خبر برگشتن او به زمین در قالب لطیفه و در کوتاه‌ترین حجم کلمات بیان می‌شود و دستاویزی می‌شود برای بیان نکات دیگر که مجال بیان آنها در فضای رسمی جامعه نیست.

زبان همیشگی در پاپ‌ها باید گفت زبان طنز، زبان همیشه است و آدم تا جهان برآید به طنز و شوخ‌طبعی نیازمند است تا به جهان سخت و بی‌رحم بپردازد. خود بخندد و با خنده هم از درد روح خود بکاهد و هم درماتی برای درد خود چاره کند.

طنز باور همیشه یکی است. آن است برای بازگویی آنچه نمی‌توان گفت یا نمی‌شود گفت.

شاید طنز و جمله‌های طنزآمیز نخستین حرف آدمی باشد بعد از سر بر آوردن دوباره از خاک چیزی که در جهان دیگر هم نیاز آدمی است تا حول روز رستاخیز را بر خود آسان سازد.
پداله بر کفتم بند تا شکر که حشر به می‌زد دل بزم هول روز رستاخیز.
۱- جعفری محمد، لطیفه گونه‌ای از ادب شفاهی خاندان فرنگ و برده، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۹۴.
۲- مجابی، جوانا، نیشخند ایرانی، صفحه ۱۸، انتشارات روزگار.
۳- مجابی، عمران، خنده و مشغولیت آن، سالنامه ۱۳۷۴، ۵۷.